

بررسی جایگاه ایران در ترانزیت گاز ترکمنستان

سید هادی ساداتی^۱، عبدالرضا فرجی راد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی، فروپاشی شوروی، شکل‌گیری کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، جنگ در افغانستان، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، ناآرامی در خاورمیانه عربی در کنار دیگر عوامل متغیر ژئوپلیتیک همچون انرژی، امنیت، تروریسم، مسائل هسته‌ای، سپر دفاع موشکی موجب شد تا نقش ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه به طور فزاینده‌ای اهمیت یابد لذا ایران در این زمان به دنبال نقشی فراهخور موقعیتش در این عرصه بوده که یکی از این عرصه‌ها منطقه مهم آسیای مرکزی است که ایران به دلیل مشترکات فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی در کنار عوامل جغرافیایی خواستار ایفای نقشی فعال از سویی در آن منطقه می‌باشد. در میان کشورهای آسیای مرکزی، ترکمنستان به دلیل دارا بودن حجم زیادی از منابع گازی، مرز مشترک طولانی با ایران و این کشور به درآمد حاصله از فروش گاز جهت توسعه خود از سویی و از سوی دیگر نیاز جمهوری اسلامی ایران به تأمین گاز مناطق شمالی خود نیازمند بود و در کنار آن تلاش برای استفاده از منافع ترانزیتی نیز بوده است. ضمن اینکه ترکمنستان نیم‌نگاهی به صدور گاز خود به بازارهای جهانی از طریق ایران و ترکیه نیز دارد. ترکمنستان در کنار مسائل اقتصادی و افزایش فروش گاز سیاست افزایش خطوط لوله را به نوعی دنبال کرده که اهداف آن کاهش انحصار گازی روسیه در کشور بوده و به همین علت ایران جایگاه مهمی را در سیاست گازی ترکمنستان علی‌رغم تنش‌های موجود دارا است. هدف این نوشتار تبیین جایگاه ایران در ترانزیت گاز ترکمنستان به دنبال توصیف و تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی شرایط کنونی منطقه و سپس ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت همگرایی دو کشور ایران و ترکمنستان در عرصه مناسبات گازی بوده است.

واژه‌گان کلیدی: ترکمنستان، گاز طبیعی، ترکیه، ترانزیت گاز، روسیه، خطوط لوله گاز.

۱- کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- استاد جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه در سراسر جهان مصرف گاز طبیعی و به طور متوسط سالانه ۱,۶ درصد در حال افزایش است. میزان مصرف از ۱۰۴ تریلیون مترمکعب در سال ۲۰۰۶، به ۱۵۳ تریلیون مترمکعب در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (EIA, 2008). کارشناسان افزایش مصرف گاز را به دلایل روند افزایش قیمت نفت که پیشبینی می‌شود بعد از ۲۰۱۲ نیز ادامه خواهد یافت، تولید دی‌اکسید کربن کمتر گاز نسبت به سوخت‌های دیگر، مسائل زیست محیطی، قیمت ارزان‌تر گاز، تبدیل شدن گاز به سوخت اصلی نیروگاه‌های تولید برق به خصوص در کشورهای در حال توسعه، گسترش شبکه گاز رسانی خانگی که قسمت اعظمی از مصرف گاز را به خود اختصاص داده است می‌دانند. در نهایت پیشرفت امکانات تکنولوژیکی برای ایجاد شبکه خطوط گاز رسانی بین‌المللی بین‌کشوری و حتی بین‌قاره‌ای (Demirbas, 2006: 166-7) باعث روی‌آوری کشورهای جهان به انرژی گاز شده است.

با این حال گاز با مزیت‌های نسبی که برای مصرف‌کنندگان دارد از نظر توسعه با مشکلاتی روبروست که اولین و عمده‌ترین مشکلات در حمل و نقل است که برخلاف نفت این فرایند گران و متحمل هزینه‌های سنگین است که در بسیاری موارد حتی کشورهای دارنده ذخایر گازی نیز توانایی ایجاد زیرساخت‌های آنرا ندارند. از طرف دیگر حمل گاز به صورت مایع نیز نیاز به تاسیسات عظیم پالایش و مایع‌سازی دارد که حتی صرف نظر از هزینه ایجاد چنین پالایشگاه‌هایی و همچنین کشتی‌های عظیم حمل گاز مایع که تعداد در حال فعالیت آنها نیز محدود است، خود فرایند مایع‌سازی گاز متحمل انرژی و پول زیاد است. بنابراین ایجاد خطوط لوله گاز رسانی عاقلانه‌تر و توجیه‌پذیرتر است که

البته خطوط لوله نیز تا سقف ۴۰۰۰ کیلو متر می‌تواند صرفه اقتصادی داشته باشد (Punsamann, 2008:2).

مشکل بعدی گاز عدم توازن در توزیع جغرافیایی مصرف کنندگان و تولید کنندگان است. برای مثال بیش از ۷۵ درصد گاز جهان در دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر می‌باشد، در حالی که مناطق جنوب صحرای بزرگ آفریقا و شرق آسیا دارای ذخایر گازی که صرف اقتصادی برای استخراج باشد ندارند. همین مسئله منجر به مشکلاتی در بازار انرژی جهانی گاز گردیده که موضوع نوشتار پیش رو می‌باشد و این مسئله را در آسیای مرکزی حول مسائل گاز کشور ترکمنستان به بحث خواهد گذاشت.

کشور ترکمنستان با دارا بودن ۲,۱ تریلیون ذخایر گاز شناخته شده ۱,۲ درصد از ذخایر گاز جهانی را در اختیار دارد و سیزدهمین کشور دارنده این محصول استراتژیک در دنیا است (IEA, 2006:table8) این کشور با جمعیتی کمتر از ۵ میلیون نفر و نبود صنایع انرژی بر بزرگ، نیاز مصرف گاز کمی دارد. با ظرفیت تولیدی بین ۶۰ تا ۷۵ میلیارد متر مکعب و مصرفی در حدود ۱۵ میلیارد متر مکعب قابلیت بالایی را در صادرات دارا است (www.indexmundi.com/2009).

ترکمنستان با ظرفیت بالایی که در صادرات گاز داراست در همسایگی ایران و روسیه قرار دارد که این دو کشور در مجموع بیش از ۴۰ درصد گاز دنیا را دارند. گذشته از آن واقع شدن ترکمنستان در آسیای مرکزی و نزدیکی به خلیج فارس که بیش از ۷۶ درصد گاز جهان را در اختیار دارد (EAI, 2000) و همچنین عدم دسترسی به آبهای آزاد و دوری از بازارهای مصرف بزرگ گاز چون اروپا، ژاپن، مناطق صنعتی شرق چین و هند محدودیت‌هایی را برای صادرات گاز بر این کشور تحمیل نموده است.

استراتژی ترکمنستان در صدور گاز

شبکه گاز رسانی ترکمنستان بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ در زمان شوروی سابق ایجاد گردید و در همین دوره توسعه یافت و تحت نظر شبکه مرکزی خطوط لوله آسیای مرکزی مدیریت می‌گردید (Kandiyoti, 2008:83). پس از فروپاشی شوروی، گازپروم با تملک این خطوط گاز رسانی و مدیریت انحصاری تمامی مراحل بهره برداری و ترانزیت گازی این کشور را در اختیار گرفت و هم اکنون با ظرفیت تولید نزدیک به ۹۰ میلیارد متر مکعب مشغول به کار است.

با توجه به توضیحات ارائه شده استراتژی گازی ترکمنستان دو هدف عمده دارد که این اهداف دارای چهار برنامه و سیاست است. هدف اول برون رفت از انحصار گازی روسیه می‌باشد که با دو سیاست کاهش وابستگی به خطوط لوله انتقال گاز روسیه و تنوع در فروش در رسیدن به بازارهای جدید همراه است. هدف دوم افزایش درآمد با تاکید بر صادرات گاز به عنوان محصول صادراتی غالب که با دو سیاست افزایش تولید و افزایش قیمت دنبال می‌شود.

الف: برون رفت از انحصار گازی روسیه

در فوریه ۱۹۹۴ اولین بحران گازی بین اوکراین، روسیه و ترکمنستان که منجر به قطع گاز صادراتی ترکمنستان به اوکراین شد نیازوف را بر آن داشت تا به فکر افزایش توان چانه زنی در برابر روس‌ها بیفتد و گزینه‌ای برای صدور گاز، خارج از قلمرو روس‌ها با ایجاد خطوط لوله جایگزین در نظر گیرد (FrancePress:march2004).

در اولین اقدام، وی در ماه مارس همان سال طرح ایجاد خط لوله گاز به ایران را ارائه کرد. نیازوف در سال ۱۹۹۵ در اقدامی دیگر با هدف وارد شدن به بازار هند و پاکستان

اقدام به مذاکره با بی نظیر بوتو، نخست وزیر وقت پاکستان، در اسلام آباد نمود و سپس در سال ۱۹۹۷ در حاشیه اجلاس سران اکو در عشق آباد موافقت سران افغانستان را نیز جلب نمود (Badykova, 2005:86). اما این طرح به دلیل عدم امنیت در افغانستان و روی کار آمدن طالبان به شکست منجر گردید و این درحالی بود که دو کشور در دوره تسلط طالبان نیز اقدام به مذاکره با طالبان نیز نمودند که به شکست منجر گردید. شایان ذکر است این طرح از حمایت آمریکا و عربستان نیز برخوردار بود و شرکت یونوکال و دلتا از سرمایه گذاران اصلی این طرح بودند.

در سال ۱۹۹۷ نیز پروژه خط لوله سراسری گاز دریای خزر (Pope, 1998) با حمایت ایالات متحده آمریکا مطرح گردید. هدف از این طرح، انتقال گاز حوزه خزر به بازار ترکیه و سپس اروپا بود. این طرح با استقبال نیازوف همراه شد اما به دلیل کارشکنی‌های علی اف، رئیس جمهور آذربایجان، به سرانجام نرسید. در صورت موفقیت طرح ابتدا بازار ترکیه و سپس بازار اروپا به روی گاز ترکمنستان باز می‌شد (Culter, 2001:21-32). در اقدامی دیگر ترکمنستان با قصد ورود به بازار چین اقدام به امضاء قرارداد فروش گاز به آن کشور از طریق ساختن خط لوله‌ای که از ازبکستان و قزاقستان عبور می‌کند نمود. (Hancock, 2006:77). در آخرین اقدام نیز ترکمنستان در دوره جانشین نظربایف با مطرح کردن دوباره پروژه تاپی (TAPI) در سال ۲۰۰۸ تلاش‌هایی در این زمینه انجام داد. به طور کلی ترکمنستان با این اقدامات درصدد بود تا انحصار انتقال گاز خود از طریق روسیه را کاهش داده تا هم اهرم فشار علیه خود را از بین برده و هم قدرت چانه زنی را در بالا بردن قیمت گاز افزایش دهد.

افزایش درآمد با تاکید بر فروش گاز

هم اکنون خریدار اصلی گاز ترکمنستان روسیه می‌باشد و تلاش‌های این کشور برای ایجاد خطوط لوله جدید و یافتن بازارهای مصرفی جدید علاوه بر عبور از انحصار گازی روسیه، بالا بردن توانایی چانه زنی ترکمنستان را نیز به دنبال دارد.

موضوع قیمت گاز ترکمنستان و خرید ارزان توسط روسیه موضوعی بوده است که چه در زمان نظربایف و چه در زمان قربان قلی بردی محمداف موضوع اختلاف انگیز در روابط دو کشور بوده که تأثیر مستقیمی بر رابطه گازی ایران و ترکمنستان داشته است. بر اساس قرار داد ۲۵ ساله بین روسیه و ترکمنستان قیمت گاز صادراتی ترکمنستان ۴۰ دلار برای هر هزار متر مکعب تعیین شد که این قیمت یک سوم قیمت واقعی گاز در بازار آزاد می‌باشد. در حالی که روسیه با انتقال همین گاز ارزان و فروش آن در بازارهای جهانی سودهای کلانی بدست آورده و گذشته از آن ذخایر خود را نیز برای سال‌های آتی نگاه می‌دارد (iasps, 2001:13-21)

بردی محمد اف نیز این مسئله را دلیلی بر دنبال نمودن حوزه‌های مختلف فروش از سوی ترکمنستان دانسته و برای مثال در سال ۲۰۰۷ عنوان کرد که ترکمنستان به تنهایی به دنبال اجرای خط لوله سراسری دریای خزر می‌باشد، زیرا آسیای مرکزی به دنبال صدور گاز خود از راههایی است که کنترل روسیه و ایران در آنها وجود نداشته باشد (Nichol, 2009:4-9). در راستای همین سیاست محمداف در اقدامی عجولانه اقدام به عقد قراردادی با اتحادیه اروپا کرد که متضمن فروش ۳۵۳ میلیارد متر مکعب گاز به این اتحادیه شد؛ در حالی که راه‌های اتصال آن مشخص نبوده و منابع مالی آن نیز پیش بینی نشده بود. در

همین راستا برای اقدامات اولیه درخواست کمک مالی از مدودوف رئیس جمهور روسیه نمود که مورد موافقت طرف روسی قرار نگرفت (Nichol, 2009: 4-9).

بررسی وضعیت مصرف گاز در ایران

ایران با وجود داشتن ذخایر عظیم گاز یکی از مصرف کنندگان بزرگ گاز در سطح جهان با مصرفی معادل ۹۸,۱۹۰ میلیارد متر مکعب مقام سوم را در سطح جهان دارد. این مسئله از آنجا ناشی می شود که پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در دوران سازندگی مصرف داخلی نفت افزایش یافت و این مسئله به برنامه های دولت برای جایگزینی گاز به جای نفت سرعت بخشید تا ایران همچنان به عنوان یک صادر کننده بزرگ در اوپک جایگاه دومی خود را داشته باشد. (Bahgat, 2001: 277) همزمان با این موضوع برنامه گاز رسانی به شهرها نیز توسعه یافت و این منجر به این گردید سبب شد در سال ۲۰۰۰ گاز طبیعی ۴۰ درصد سهم سبد انرژی ایران را به خود اختصاص دهد (EIA, 2000). در کنار این موضوع پمپ گاز به چاه های نفت برای استخراج بیشتر و برنامه گاز سوز کردن خودروها در سال های اخیر مصرف گاز را بیش از پیش افزون نموده است.

در کنار افزایش مصرف گاز در ایران فشارهای آمریکا مانع از طی شدن عادی فرایند سرمایه گذاری در افزایش تولید گاز گردیده است. تحریم های ایران و همچنین قانون داماتو که سرمایه گذاری شرکت های خارجی در ایران را محدود نمود باعث شد ظرفیت تولید در ایران رشد چندانی نداشته باشد. ایران به عنوان دارنده دومین ذخایر عظیم گاز در

جهان تولیدی به مراتب کمتر از کشورهایی چون کانادا، هلند، و آمریکا داشته است.
(Bahgat, 2001:276)

استراتژی گازی ایران در آسیای مرکزی و ترکمنستان

استراتژی گازی ایران در آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان را باید حول سه محور دنبال کرد. ابتدا اینکه رابطه گازی و تجاری با این کشورها بیشتر از آنکه اهداف تجاری و اقتصادی داشته باشد، دارای اهداف سیاسی است. کشورهای آسیای مرکزی در رابطه اقتصادی خود با ایران دارای مشکلاتی همچون نابرابری سطح توسعه اقتصادی این کشورها با ایران، مکمل نبودن اقتصاد این کشورها با ایران، پایین بودن میزان تجارت خارجی این کشورها و پایین و ناکافی بودن زیرساخت‌های ارتباطی هستند. (حقیقی، ۱۳۷۴: ۱۰۳۹-۱۰۶۰) ایران هدف اصلی خود را بر استفاده سیاسی از موقعیت به دست آمده در مرزهای شمالی خود در پیشبرد همگرایی در سیاست خارجی گذارده است. ایران همگرایی منطقه‌ای را آلترناتیوی برای جهان تک قطبی به رهبری آمریکا می‌داند (هرتسیگ، ۱۳۸۳: ۵۰۱-۵۰۳) لذا وجود تعلقات فرهنگی، تاریخی و مذهبی را عاملی مهم در جهت رسیدن به این همگرایی در آسیای مرکزی می‌داند و سخن از "همگرایی توسعه خواهانه" یعنی تقویت تجارت تحت هدایت دولت و انجام پروژه‌های زیربنایی به میان می‌آورد (همان: ۱۳۸۳: ۵۰۳-۵۲۴). گاز نیز از این قاعده مستثنی نیست و در همین راستا دولت ایران اقدام به تأسیس شرکت سه جانبه ای با مشارکت روسیه، ترکمنستان جهت استخراج نفت و گاز ایجاد کرد و به دنبال اهداف خطوط راه آهن و ایجاد خطوط راه آهن ایجاد جاده‌های ارتباطی نمود.

محور دوم استراتژی گازی ایران در آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان انتقال نفت و گاز این کشورها از طریق ایران است. این مسئله از دو جهت بر منافع و امنیت ملی ایران تأثیر می‌پذیرد. گذشته از مسائل مالی و درآمد حاصله، عبور خطوط لوله و وابستگی حاصله پس از راه اندازی آن برای کشورهای مصرف کننده منجر به ایجاد حساسیت در قبال امنیت ایران می‌گردد و همین به تقویت جایگاه ایران کمک می‌کند. از طرف دیگر ایران نیز دارای نفوذ در کشورهای آسیای مرکزی می‌گردد و قدرت چانه زنی ایران در ایجاد همگرایی منطقه‌ای افزایش می‌یابد.

محور سوم استراتژی گازی ایران در ترکمنستان نیز مربوط به مسائل فنی بازار گاز برمی‌گردد. عمده مصرف گاز ایران در مناطق شمالی است و گذشته از آن ایران چهارمین مصرف کننده گاز در سطح جهان است؛ لذا برای تقویت فشار در مناطق شمالی و ایجاد رابطه گازی با ترکمنستان ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، توازنیت گاز از ایران به ترکیه و سپس اروپا علاوه بر مسائل امنیتی و منافع اقتصادی ذکر شده می‌تواند به تقویت جایگاه بازار گاز ایران نیز کمک کند.

همکاری گازی ایران و ترکمنستان

در دهه ۹۰ فشارهای ناشی از قرار گرفتن انحصار گازی بر ترکمنستان انگیزه مضاعفی برای فرار از این وضعیت برای آن کشور ایجاد می‌کرد که این کشور را به سمت ایران متمایل نمود.

ایران نیز جزء اولین کشورهایی بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و استقلال این کشور موقعیت‌های جدیدی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی برای این کشور ایجاد نمود.

همانند ترکمنستان ایران نیز معتقد بود پتانسیل همکاری بین دو کشور می‌تواند به توسعه نقش ایران و ترکمنستان به عنوان تولید کنندگان گاز جهانی کمک نماید. تمایل دو طرف باعث شد که ترکمنستان اولین خط لوله خارج از حوزه روسیه را به سمت ایران ایجاد کند. قرارداد این خط لوله در ژوئیه ۱۹۹۵ بین دو کشور امضا گردید و ایران در این قرارداد متعهد گردید تا ۸۰ درصد بار مالی پروژه را به عهده گیرد. خط لوله کرپچه - کردکوی با هدف انتقال گاز به شمال ایران از حوزه گازی کرپچه در سال ۱۹۹۷ با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار ساخته شد (Badykova, 1998).

در این دهه تحولات خاصی در رابطه با تحولات گازی بین دو کشور صورت نگرفت و تنها مبادلات دو جانبه افزایش یافت و اوج سطح روابط تجاری و اقتصادی و حضور ایران در بازار ترکمنستان را در این دوره شاهد هستیم، اما با ورود به قرن بیست و یکم از میزان مبادلات بین دو کشور در مقایسه با دیگر کشورها کاسته شد. برای مثال اکرین در سال ۱۹۹۷ از ۲ درصد سهم در بازار ترکمنستان به یک باره سهم اش به ۲۷ درصد رشد پیدا می‌کند و ایران نیز ظرف ۳ سال از ۱۷ درصد به زیر ۱۰ درصد سقوط می‌کند (Turkmeniliasabat, 1997-2003).

در سال‌های نخست دهه اول قرن بیست و یکم اهداف دنبال شده بین دو کشور تقریباً حول محور خرید گاز توسط ایران برای تأمین گاز مناطق شمالی و جبران افت فشار به خصوص در ماه‌های پر مصرف بود و تحولات جهانی و جنگ آمریکا علیه افغانستان و اوضاع پیچیده خاورمیانه در کنار رقابت روسیه و آمریکا به همراه حضور ناتو در آسیای مرکزی مسائل بازار گاز را تحت شعاع قرار داد بویژه آنکه دید امنیت محور نومحافظه کاران در آمریکا فضای جهانی را به یک فضای امنیتی تبدیل نموده است.

خط لوله کردکوی-کریچه در سال ۲۰۰۴ با انتقال ۴ میلیارد متر مکعب رکوردی در انتقال گاز برای خود ثبت نمود و این در حالی است که تلاش دو کشور برای بالا بردن سطح تعاملات گازی منجر شد تا در کمتر از یک سال ظرفیت خط لوله را به ۸ میلیارد متر مکعب افزایش دهند که این میزان مبادله بالاترین سقف تولید در قرارداد بود (Ibid). همزمان با این تلاش‌ها مسئله ترانزیت گاز از ایران نیز مطرح شد چرا که ایران به دلیل افزایش میزان تولید به خودکفایی نزدیک شده و اکنون مسئله فروش مازاد در اولویت بود که گاز ترکمنستان نیز یا می‌بایست خریداری شده و باز فروش گردد و یا به کشور ثالث از طریق خط لوله منتقل شده و حق ترانزیت دریافت شود که هر دو شکل این معامله در دستور کار قرار گرفت.

ترانزیت گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه

در سال ۱۹۹۷ با روی کار آمدن حزب رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان روابط نسبتاً سرد ایران و ترکیه رو به بهبود گرایید. در همین سال‌ها ترکیه که به گاز بیشتری نیاز داشت و گاز خود را از سه کشور روسیه، مصر و الجزایر تأمین می‌نمود با هدف کاستن از انحصار واردات گاز از روسیه به خاطر اکثر وارداتش از آن کشور بود، تحت تأثیر خط مشی حزب رفاه اقدام به عقد قرارداد با ایران نمود (Edmir, 2007:76). این قرارداد برای ایجاد خط لوله و فروش سالیانه ۲۸ میلیارد متر مکعب بود که از این میزان ۶۵ درصد برای مصرف داخلی و مابقی برای فروش گاز به اروپا در نظر گرفته شده بود. اما این خط لوله هم اکنون با ظرفیت ۱۰ میلیارد متر مکعب در حال فعالیت است (Kandiyoti, 2008:84) که با اهداف اعلام شده در قرارداد فاصله زیادی دارد. نکته مهم در این

قرارداد ایجاد بستر مناسب برای انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه بود، اما مشکل اصلی در تحقق این امر تحریم‌های آمریکا علیه ایران بود که مانع برقراری این اتصال می‌شد. در ۱۹۹۸ نیازوف در سفر به آمریکا در صدد جلب رضایت کاخ سفید برای عبور گاز از ایران برآمد که موفقیتی به همراه نداشت (Roy, 1998). در مقابل این عدم رضایت پروژه ناباکو مطرح گردید.

این پروژه اولین بار توسط کمپانی شل برای انتقال ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز ایران به جنوب اروپا مطرح شده بود، اما برای اجرا مسئله تحریم مطرح بود. بوتاس، شرکت ملی گاز ترکیه با وقوف به این مسئله به همراه ۵ عضو دیگر اتحادیه اروپا (اتریش، بلغارستان، رومانی، مجارستان و آلمان) در صدد اجرای این پروژه و با همان هدف و نام منتها با منابع گازی متفاوت برآمد. (Simsek, 2008) اتحادیه اروپا و آمریکا بعد از مرگ نیازوف سعی نمودند تا محمد اف را برای حمایت از خط لوله ناباکو متقاعد کنند و ترکمنستان از طریق خط لوله سراسری دریای خزر سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب به این لوله گاز تزریق کند. تاکنون هیچ گونه قراردادی پیرامون چگونگی ساخت خط لوله انتقال دهنده گاز از ترکمنستان به ناباکو امضاء نشده است (Berdyyeva, 2008).

تأثیری که تحقق احتمالی ناباکو با پیشنهادهای مطرح شده بر رابطه گازی ایران و ترکمنستان می‌گذارد توانایی این کشور را در چانه زنی با ایران افزایش می‌دهد و احتمال عدم توافق همیشگی با ایران نیز داده می‌شود؛ چرا که ترکمنستان در صورت تحقق پروژه ناباکو می‌بایستی قسمت اعظم تولید خود را به این خط لوله اختصاص دهد. این در حالی است که ترکمنستان سالانه ۸۰ میلیارد متر مکعب گاز باید به روسیه بر اساس قراردادهای قبلی منتقل کند. از طرف دیگر این پروژه قدرت چانه زنی ترکیه را در برابر ایران افزایش

می‌دهد و ایران در بازار فروش با مشکل روبرو خواهد شد. روسیه ظاهراً با پروژه ناباکو موافقت دارد و باطناً از اجرای این پروژه ناخرسند است به همین دلیل طرح بلو استریم (Blue stream) را مطرح نموده و هم اکنون نیز در صدد اجرای آن است. بر اساس این طرح ظرفیتی بالغ بر ۱۶ میلیارد گاز در هر سال به ترکیه صادر می‌شود که قرارداد آن نیز با مقامات ترک به امضا رسیده است. (Botas, 2002).

مشکل ترکمنستان برای افزایش تولید در حوزه‌های جدید گازی قابل بحث است. عدم وجود منابع مالی برای انجام پروژه‌های پایین دستی و بالا دستی گاز و پایین بودن میزان اکتشافات جدید به علت قدمت ۴۰ ساله صنعت گاز این کشور به همراه سطح تکنولوژیکی پایین ملی و ریسک زیاد سرمایه گذاری برای شرکت‌های غربی و بازدهی و سود کم در مقایسه با خلیج فارس و دیگر مناطق انرژی زا افزایش تولید در این کشور را سخت کرده است.

در شرایط کنونی ایران می‌بایست تعامل خود را با ترکمنستان افزایش داده تا حضور موثرتری در بازار ترکیه داشته باشد و از ایجاد وقفه که منجر به قطع انتقال گاز گردد دوری کند؛ چرا که وقوع چنین تحولاتی در بازار باعث بی‌اعتمادی و سو استفاده دیگر تولید کنندگان می‌گردد. برای مثال در زمستان ۲۰۰۸ دعوی گازی ایران و ترکمنستان بر سر قیمت منجر به قطع گاز صادراتی ترکمنستان به ایران شد و متعاقباً ایران نیز ۷۵ درصد صادرات گاز خود به ترکیه را کاهش داد. دومین قطع گاز بار دیگر در همین اوضاع قطع گاز صادراتی ترکمنستان به ترکیه از طریق ایران بود که ترکیه را مجبور نمود گاز یونان را قطع نموده و روسیه گاز به ترکیه را کاهش داده و اوکراین نیز همین کار را به علت تخطی

ترکیه از تعهدش در انتقال گاز به یونان انجام داد و منطقه در بحران فرو رفت (Kaly, 2008:2).

دولت ترکمنستان ترجیح می‌دهد گاز را به طور مستقیم در بازارهای هدف به فروش برساند و کشورهای در مسیر انتقال فقط حق ترانزیت خود را دریافت نمایند، اما این روش در مورد روسیه تنها در مورد فروش گاز ترکمنستان به اوکراین اجرا شد. اما خرید و باز فروش گاز برای هر دو کشور ایران و روسیه پرسودتر است و این کشورها رغبت بیشتری در استفاده از این روش دارند.

جایگاه ایران در ترانزیت گاز ترکمنستان به چین و هند

همزمان با تمایل ترکمنستان برای ورود به بازار گاز ایران این کشور فعالیت‌هایی در زمینه صدور گاز به پاکستان صورت داد. ایران، پاکستان، هند بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ در مورد ایجاد خطوط لوله ۲۷۷۵ کیلومتری گاز از حوزه پارس جنوبی به پاکستان و سپس هند مذاکره نمودند اما به علت تنش در روابط هند و پاکستان و همچنین فشار آمریکا در عدم توسعه صنعت انرژی ایران به نتیجه نرسیده است.

در کنار تلاش‌های ایران، ترکمنستان در دو نوبت اقدام به مذاکراتی برای گشودن این بازار مصرف برای گاز خود نمود. مرحله اول در دهه ۹۰ بود که به خاطر شرایط افغانستان نتیجه بخش نبود.

مرحله دوم در آوریل ۲۰۰۸ در مذاکراتی در سطح وزیران سه کشور شروع شد. خط لوله تاپی که از دولت آباد در ترکمنستان شروع و با گذر از کنار بزرگراه هرات قندهار وارد پاکستان شده و پس از تزریق گاز به شبکه سراسری پاکستان به سوی هند می‌رود

(Cohen, 2008:2-6) مطالعات اولیه‌اش آغاز گشته است. در ماه می ۲۰۰۷ هند به موافقت نامه ۴ جانبه ملحق شد. این کشور از بانک توسعه آسیا برای سرمایه گذاری در طرح مطالعاتی خط لوله تاپی درخواست کمک نمود (BP.2006:8-24).

ایران و ترکمنستان با دو هدف یکسان اما شیوه‌های متفاوت درصدد دست یابی به بازار هند و پاکستان هستند، اما شواهد و قرائن نشان دهنده این واقعیت است که خط لوله پیشنهادی ترکمنستان به دلیل عدم استقرار امنیت در افغانستان به علت عبور از قلب ناحیه پشتون نشین مرز افغانستان و پاکستان به مراتب ناامن تر از مناطق جنوبی این ناحیه است که خط لوله صلح قرار بوده از آن عبور کند.

در رابطه با چین ترکمنستان در آوریل ۲۰۰۶ یک قرارداد فروش به همراه الحاقیه ای در سرمایه گذاری در توسعه میدین گازی با چین به امضا رسانید. دو کشور متعهد شدند تا خط لوله‌ای را برای انتقال گاز به چین از طریق عبور از ازبکستان و قزاقستان احداث کنند که این خط لوله با ظرفیت سالانه ۱ میلیارد متر مکعب که می‌بایست با همکاری سه کشور آسیای مرکزی تأمین شود در سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرد (Nichol, 2009:11).

تاثیری که این خط لوله بر همکاری گازی ایران و ترکمنستان در شرایط کنونی به علت حجم کم آن می‌گذارد ناچیز است. علاوه بر اینکه هدف خط لوله تأمین گاز مناطق غربی چین است که از مناطق صنعتی این کشور واقع در شرق چین بسیار دور است و افزایش احتمالی ظرفیت این خط لوله تا سال‌های آتی پیش بینی نمی‌شود.

نتیجه گیری

دو کشور ترکمنستان و ایران با ظرفیت بالای تولید و ذخایر عظیم گاز دارای نقش مهمی در تثبیت بازار گاز دارند. همکاری دو کشور در این عرصه با توجه به مرز مشترک طولانی، همکاری در پروژه‌های مشترک، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و فرهنگ مشترک بین دو کشور می‌بایست مورد توجه دو کشور قرار گیرد. سیاستمداران دو کشور باید با در پیشگیری مدل عقلانی در تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی سعی در استفاده از فرصت‌های موجود در روابط فی مابین تلاش کنند. در تصمیم‌گیری عقلایی، تصمیماتی اتخاذ می‌گردد که حداکثر مطلوبیت را دارند و تصمیماتی است که ارزش‌های مورد نظر را به بهترین وجه تأمین می‌کند. اگرچه استفاده در مدل‌های تصمیم‌گیری دیگر همچون سازمانی یا بوروکراتیک حائز جنبه‌های مفیدی هستند، اما به علت فرد محوری در سیاست این کشور در عین وجود محدودیت‌های جغرافیایی و منطقه‌ای، تصمیم‌سازی را به فرایندی پیچیده تبدیل نمود است. مدل فزاینده یا عقلایی می‌تواند حوزه گسترده‌تر را با تاکید بر منافع ملی طرفین در تحلیل‌ها وارد سازد و انتخاب‌های متنوع را در عمل سیاسی پیشنهاد دهد.

ایران با سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در چند سال اخیر مقام چهارمی در تولید گاز را بدست آورده و برای ادامه این روند و رسیدن به مقام دومی در تولید گاز که از اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نظام می‌باشد نیاز به بازارهای جدید گازی دارد و در راه نیل به این هدف همکاری با ترکمنستان و دوری از رقابت مخرب که توان دو کشور را تلف می‌نماید ضروری است. البته این در حالی است که ایران بتواند با جذب سرمایه‌گذاری

خارجی توان تولید خود را بالا ببرد. در رابطه با همکاری‌های دو کشور پیشنهاد‌های زیر را می‌توان ارائه کرد:

- ۱- اولویت دادن به ترانزیت گاز ترکمنستان به جای خرید آن توسط ایران؛
- ۲- افزایش ظرفیت خطوط لوله بین دو کشور؛
- ۳- ایجاد بستر مناسب برای صدور گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران به عنوان راهی برای عبور از تحریم‌ها علیه ایران؛
- ۴- ورود ترکمنستان به جی سف و کمک به صنعت گاز ترکمنستان توسط ایران؛
- ۵- ایجاد پالایشگاه‌های گاز برای مایع سازی گاز در جنوب کشور و انجام طرح سوپ در مبادله گاز ترکمنستان برای استفاده از حق ترانزیت و مایع سازی گاز؛
- ۶- دعوت به مشارکت ترکمنستان در خط لوله هند؛
- ۷- مبادله نفتی بیشتر با ترکمنستان برای ایجاد اعتماد در زمینه مبادلات گازی؛
- ۸- افزایش انتقال گاز به ترکیه؛
- ۹- آماده سازی زیر ساخت‌ها و انجام مذاکرات برای افزایش انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه؛
- ۱۰- تلاش ایران برای جلوگیری از ایجاد خط لوله سراسری دریای خزر به دلیل مسائل زیست محیطی غیر قابل جبران آن؛
- ۱۱- جذب بیشتر سرمایه گذارای خارجی برای توسعه میادین گاز ایران؛
- ۱۲- توسعه روابط خارجی و دیپلماسی اقتصادی ایران برای برطرف کردن موانع همکاری‌های گازی با حوزه پیرامونی کشور.

منابع

- ۱) حقیقی، مسعود (۱۳۷۴). «موانع همگرایی در سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و)»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۷، زمستان.
- ۲) هرتسیگ، ادموند (۱۳۸۳). «منطقه گرایی، ایران و آسیای مرکزی»، ترجمه محمد علی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۵، پاییز.
- 3) Agency France Press, "Iran to Refine Turkmen Oil" March 17 2004.
- 4) Badykova, Najia (2005). Regional Cooperation in Central Asia:A View from Turkmenistan, Problems of Economic Transition, vol. 48, no. 8, December.
- 5) Badykova, Najia (2001). "Turkmenistan's Quest for Economic Security," in The Security of the Caspian Sea Region, ed. Gennady Chuftrin, New York: Oxford University Press.
- 6) Badykova, Najia (1998). "Iran and Prospects of Gas Export from the Caspian Sea Region," Central Asia in Transition, Slavic Research Center, Occasional Papers, Tokyo Hokkaido University, Sapporo, no. 61.
- 7) Bahdat, gawadat (2007). The Geopolitics of Natural Gas in Asia, Organization of The Petroleum Exporting Countries review, September.
- 8) Berdijeva.A. (2008) Ashgabat Promises Direct Export to European Union, Eurasant Available From [Http// www. Eurasant.org/insight/articles /html](http://www.Eurasant.org/insight/articles/html).
- 9) Cohen, Ariel (2008). Lisa Curtis, and Owen Graham, (May 30) The Proposed Iran–Pakistan–India Gas Pipeline:An Unacceptable Risk to Regional Security, Published the Heritage Foundation.,
- 10) Culter, M. Robert (Winter 2001). Turkey and Geopolitics og Turkmenistan's Natural Gas, The Review of international Affair, Vol 1, No 2.
- 11) Daly, John C. K (April 29, 2008). TURKMENISTAN DOUBLES NATURAL GAS PRICES TO IRAN, Publication: Eurasia Daily Monitor Volume: 5 Issue: 81
- 12) Demirbas.M. F and Balat (2008). Major Utilization of Natural Gas for Turkey `s Energy in Recent Years, Energy Sources, Part B, Taylor and Francis Group.
- 13) EIA, Country Profile: Iran, February 2000 Line at www.eia.doe.gov
- 14) EIA. Energy Information Administration (EIA),International Energy Annual 2006 (June-December 2008),web site www.eia.doe.gov/iea.
- 15) EIA, Energy Information Administration (2000). Caspian Sea Region, <http://www.eia.doe.gov/emeu/cab/caspsfull.html>.

- 16) EIA, Energy Information Administration, U.S. Department of Energy, International Energy Outlook 2005, www.eia.doe.gov/oiaf/ieo/index.html
- 17) Erdemir, Hatice P. Erdemir (2007). The Requirements for International Relations Knowledge by Business Management in the Example of the Turkish-iranian Gas Contract of 1996 Social Research /Socialiniai tyrimai.
- 18) Hancock J., Kathleen (2006). Escaping Russia, Looking to China: Turkmenistan Pins Hopes on China's Thirst for Natural Gas, China and Eurasia Forum Quarterly, Volume 4, No. 3
- 19) Kandiyoti, Rafael (March 2008). What price Can Access to open Sea? The Geopolitics of Oil and Gas Transmission From the Trans-Caspian Republics, Central Asian Survey, Vol 27.No 1
- 20) Pope, Hugh (January 19,1998).“ Pipeline Dreams: How Two Firms Fight For Turkmenistan gas Bounded in Texas Court” Wall street Journal,
- 21) Punsmann, Burcu Gultekin (may 2008). Black Sea Regional Policy Approach: A Potential Contributor to European Energy Security, In International Center for Black Sea Studies (ISBSS) No 6, Policy Brief,
- 22) Radisson, James. TURKEY: THE KEY TO CASPIAN OIL AND GAS, World Energy Development, August 2001, Jerusalem, <http://www.iasps.org/strategic/strat13.pdf>
- 23) Roy, Oliver (1998). The Iranian Foreign Policy Toward Central Asia Eurasiat Available From [Http// www. Eurasiant.org/resurce/regional/royoniran/html](http://www.Eurasiant.org/resurce/regional/royoniran/html).
- 24) Turkmenmillihasabat, Foreign Economic Relations of Turkmenistan, 1997–1999, 2000–2001, 2001–2003 (Ashgabat, 1999, 2002, 2004).
- 25) www.indexmundi.com/2009/turkmenistan/html.